

سیاست کیفری افتراقی در پاسخ گذاری قاچاق کالا و ارز

محسن رحمانی فرد^۱

چکیده

کیفر، ضمانت‌اجراء و واکنش رسمی در برابر رفتار مجرمانه است. با توجه به ماهیت ویژه بزه قاچاق کالا و ارز و وجوه امنیتی، اجتماعی و اقتصادی این بزه، واکنش باید مؤثر و متناسب این رفتار باشد. قانونگذار خصوصاً در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، طیف متنوعی از کیفرها را با شرایط مختلف پیش‌بینی نموده است که بعضاً دارای ویژگی‌های متفاوت از سایر مجازات‌ها است. در مقاله حاضر به بررسی کیفرگذاری در حوزه بزه قاچاق کالا و ارز تحت چهار عنوان مجازات‌های اصلی، مجازات‌های تکمیلی و تبعی، عوامل مشدده و مخففه و الزامات تعیین کیفر پرداخته شده است و لزوم سیاست افتراقی و جایگاه فعلی و همچنین جایگاه مطلوب کیفرگذاری در بزه معنونه مورد واکاوی قرار گرفته است. سپس نتیجه گرفته شده که جنبه اقتصادی، مهم‌ترین دلیل جرم-انگاری قاچاق کالا و ارز به شمار می‌رود؛ چرا که اکثر رفتارهای مرتبط با قاچاق به گونه‌ای سودآور و دارای عواید کلان نامشروع است و باعث اختلال در نظام اقتصادی می‌گردد. بنابراین لازم است کیفرها به گونه‌ای طراحی شود که با برهم زدن توازن علیه بزه، ریسک ارتکاب را بالا ببرد. روش تحقیق در این مقاله به صورت تحلیلی و استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای است.

کلید واژه‌ها: کیفر، افتراقی، قاچاق کالا و ارز، جرم اقتصادی.

مقدمه

کیفر عبارت از واکنش رسمی در برابر جرم است. حقوق کیفری به خاطر ساماندهی چنین پاسخی که شدیدترین شیوه کنترل محسوب می‌شود، از دیگر نظام‌های کنترل رسمی و غیر رسمی متمایز شده است. کیفر با هر نظریه و هدف توجیه شود جزء جدایی‌ناپذیر نظام کیفری است که باید در هر دعوی که به اثبات مجرمیت و مسئولیت کیفری مرتکب یا مرتکبان می‌انجامد تعیین و اعمال شود. (محمودی جانکی، ۱۳۸۸: ۶۶۷) حتمیت و سرعت در اجرای کیفر از لوازم و شرایط بازدارندگی آن است که اندیشمندی چون بکاریا در کتاب مشهور خود به نام "رساله جرایم و مجازات‌ها" به این امر پرداخته‌اند. به نظر او اصل در حتمیت و قاطعیت در مجازات بزهکار است و اگر مردم بدانند که در صورت ارتکاب جرم مجازات خواهند شد، از ارتکاب بزه خودداری خواهند کرد.

مجازات‌های تعیین شده برای جرایم اقتصادی نسبتاً شدید و عموماً با توجه به هدف مرتکبان از ارتکاب این جرایم ناظر بر کیفرهای مالی است. در ادامه ضمن پرداختن به مجازات‌های اصلی بزه قاچاق کالا و ارز، مجازات‌های تکمیلی و تبعی نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس به عوامل مشدده و مخففه کیفر پرداخته و متعاقباً نحوه اعمال و تعیین کیفر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱- مجازات‌های اصلی

به طور کلی جرایم اقتصادی هر چند از جهت کلان بودن مشخص می‌شوند و قاعدتاً کیفر این قبیل جرایم شدید است ولی با این حال رویکرد قانونگذار در جرایم اقتصادی پیامد محور است. در رویکرد پیامد محور باید دید که امنیت اقتصادی به چه میزان آسیب دیده و آثار منفی داشته است. از این رو ویژگی رفتاری مانند بانندی بودن یا استمرار یافتن یا در سطح گسترده ارتکاب یافتن، زمانی برجسته می‌شود که نتایج و پیامدهای قابل توجهی نیز به بار آید. (توسلی‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۲۷) به همین جهت حداقل و حداکثر کیفر و همچنین لحاظ بندهای مختلف جهت مجازات، حسب میزان ارزش کالا و ارز قاچاق شده پیش‌بینی شده است. این امر می‌تواند منادی تناسب کیفر و جرم در جرایم قاچاق کالا و ارز باشد.

۱-۱- اعدام

مجازات اعدام از جمله مجازات‌هایی است که مخالفان و موافقان زیادی دارد. برخی معتقد به حذف مجازات اعدام و عده‌ای دیگر معتقد به اجرای این مجازات هستند. در حالی که امروزه در اکثر کشورهای اروپایی و آمریکایی مجازات اعدام حذف شده و دیگر کاربردی ندارد؛ در برخی از کشورهای جنوب شرقی آسیا مجازات اعدام به عنوان یک مجازات اصلی کاربرد داشته و همواره تعداد زیادی از افراد به این مجازات محکوم می‌شوند. (faiza, ۱۹۹۹, ۴۶۳) در حقوق ایران کیفر اعدام در مورد مصادیقی از جرایم اقتصادی که به لحاظ شدت جرم، تهدیدی برای امنیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور محسوب می‌شوند و در نتیجه به عنوان جرایم در حکم محاربه و افساد فی الارض تلقی می‌شوند؛ مقرر گردیده است.

ماده ۳۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: "در صورتی که ارتکاب قاچاق کالا و ارز به صورت انفرادی و یا سازمان‌یافته به قصد مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران یا با علم به مؤثر بودن آن صورت گیرد و منجر به اخلال گسترده در نظام اقتصادی کشور شود، موضوع مشمول قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹/۹/۱۹ می‌گردد و مرتکب، طبق مقررات قانون مزبور مجازات می‌شود."

ماده ۳۱ همان قانون نیز اشعار می‌دارد: "در صورتی که احراز شود مرتکب جرائم قاچاق کالا و ارز با علم و عمد، عواید و سود حاصل از این جرائم را به نحو مستقیم یا غیرمستقیم برای تأمین مالی تروریسم و اقدام علیه امنیت ملی و تقویت گروه‌های معاند با نظام اختصاص داده یا هزینه نموده است، علاوه بر مجازات‌های مقرر در این قانون حسب مورد به مجازات محارب یا مفسد فی الارض^۱ محکوم می‌گردد."

۱-۲- حبس

از دیرباز مجازات حبس به عنوان حربه‌ای برای مقابله با مجرمان مورد توجه بوده است. اگرچه زندان از گذشته‌های دور وجود داشته، از قرن ۱۹ به بعد اصلی‌ترین شکل مجازات شده است. این تحول شکل در مجازات تا حدود زیادی ناشی از تغییر در اولویت‌های اهداف مجازات یا تکمیل این اهداف است. هدف این نوع مجازات دور نگه داشتن مجرم از جامعه و اصلاح و تربیت و سرانجام تغییر رفتار او و انطباق رفتار او به هنجار جامعه و پیشگیری از وقوع جرم در آینده است. هر چند که امروزه این ایده با تردیدهای فراوانی مواجه و نتایج مطلوب از آن حاصل نشده است. (سبزواری‌نژاد، ۱۳۹۳: ۵۳) البته رویکرد اربعایی مجازات زندان نیز همچنان پابرجاست.

اهداف دوگانه‌ای که برای مجازات زندان منظور می‌شود یعنی زندان برای مجازات و زندان همچون شیوه اصلاحی، به ندرت با یکدیگر جمع شده‌اند، چرا که زندان، به دلیل ساختارش، معمولاً غیرعادلانه با زندانی رفتار می‌کند و در نهایت موجب افزایش کینه زندانی نسبت به عدالت و قانون می‌شود و ممکن است موجب بیگانگی بیشتر فرد با جامعه و در نتیجه مقدمات افزایش ارتکاب جرم شود. (عبدی، ۱۳۸۱: ۷۹)

قانونگذار برای مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز از این مجازات استفاده نموده است. به عنوان نمونه در بند پ و ت از ماده ۲۲ قانون (در خصوص قاچاق کالاهای ممنوع) و تبصره ۱ ماده یاد شده (در خصوص قاچاق مشروبات الکلی) و همچنین مواد ۲۸ تا ۳۲ (در خصوص جرایم قاچاق سازمان‌یافته و حرفه‌ای) و سایر جرایم مرتبط از این مجازات استفاده شده است. این در حالی است که در بند ۱۴ سیاست‌های کلی قضایی مصوب ۱۳۸۱، بند ۱۲ سیاست‌های کلی قضایی پنج ساله مصوب ۱۳۸۸ و بند ۶۴ سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه، به ضرورت اتخاذ تدابیر لازم با رویکرد حبس‌زدایی تأکید شده است.

۱-۳- کیفر مالی و محوریت آن

کیفر مالی شامل جزای نقدی، مصادره عواید حاصل از ارتکاب جرم و ضبط اموال مورد استفاده در ارتکاب جرم است. با توجه به اینکه در جرایم اقتصادی خصوصاً قاچاق کالا و ارز مجرم با ارتکاب جرم، درآمدهای مجرمانه‌ای را تحصیل می‌کند، قانونگذار درصدد محروم کردن وی از درآمد مجرمانه بوده و آن درآمد را استرداد می‌نماید. به عبارت دیگر به سبب نامشروع بودن این درآمدها قانونگذار از مجرم خلع مالکیت کرده و آن‌ها را به نفع دولت ضبط می‌کند.^۲ ماده ۳۱ کنوانسیون مبارزه با فساد با تکرار

^۱ - ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی: "هرکس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلاق در نظام اقتصادی کشور، احتراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آن‌ها گردد به گونه‌ای که موجب اخلاق شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد."

^۲ - تبصره ۲ ماده ۲۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز: "وجوه حاصل از قاچاق کالای ممنوع، ضبط می‌شود."

موارد پیشنهادی ماده ۱۲ کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی، دولت‌های عضو را به اتخاذ تدابیر مورد نظر به منظور مصادره عواید و اموال حاصل از ارتکاب جرایم اقتصادی فرا می‌خواند. علاوه بر این ممکن است وسایل و ابزار و تجهیزات نیز که در ارتکاب جرم مورد استفاده قرار گرفته ضبط گردد.^۱ در کنار این‌ها، مجازات جزای نقدی پیش‌بینی شده برای بزه قاچاق کالا و ارز، و تناسب آن با میزان ارزش کالا، کاملاً انگیزه‌های اقتصادی بزه را از بین می‌برد.

پیش‌بینی جزای نقدی نسبی یعنی اینکه قانونگذار ارزش اموال و عواید مجرمانه‌ای که مستقیماً از بزه بدست می‌آید را ملاک احتساب جزای نقدی قرار داده است. در کنار فواید ذکر شده برای چنین مجازاتی، مثل تناسب جرم و مجازات، حداقل اشکال آن این است که با افزایش نرخ تورم، مجازات بزه عملاً به طور ناخواسته شدیدتر می‌شود که این امر قابل توجه نیست به عنوان مثال شاید در سال‌های آینده با توجه به نرخ تورم سالانه و افزایش قیمت کالاها موارد کمتری شامل بندهای الف یا ب ماده ۲۲ قانون قاچاق کالا و ارز گردد. لذا بدون اینکه مجرمین امروز با بزهکاران سال‌های آینده تفاوت کرده باشد عملاً کیفر آن‌ها تشدید خواهد شد. البته در صورت اجرای عملی ماده ۲۸ قانون مجازات اسلامی، شاهد این مشکل نخواهیم بود. وفق ماده یاد شده: "کلیه مبالغ مذکور در این قانون و سایر قوانین از جمله مجازات نقدی، به تناسب نرخ تورم اعلام شده به وسیله بانک مرکزی هر سه سال یکبار به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب هیأت وزیران تعدیل و در مورد احکامی که بعد از آن صادر می‌شود لازم‌الاجراء می‌گردد." به صراحت این ماده، مفاد آن در خصوص سایر قوانین از جمله قانون قاچاق کالا و ارز نیز جاری است.

پیش‌بینی صدور قرار تأمین از نوع وثیقه به صورت الزامی^۲ و همچنین تکلیف مرجع رسیدگی به صدور دستور شناسایی و توقیف اموال متعلق به متهم در حدود جزای نقدی احتمالی و برداشت جزای نقدی از این محل در صورت استنکاف محکوم از پرداخت (مواد ۴۸ و ۶۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز) و عدم امکان تعلیق و تخفیف مجازات جزای نقدی^۳، در راستای سیاست جنایی قانونگذار در قبال قاچاق کالا با رویکرد کیفر مالی است. مؤید دیگر این نظر مقرر ماده ۶۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز است که مدت حبس بدل از جزای نقدی را پانزده سال معین کرده است و حتی جزای نقدی مازاد بر حبس تبدیلی را پس از اتمام حبس نیز قابل وصول دانسته است.^۴ در حالی که در سایر جرایم وفق ماده ۲۹ قانون مجازات اسلامی^۵ مصوب ۱۳۹۲، این مدت، به شرطی که از حداکثر حبس مقرر برای آن بزه بیشتر باشد، سه سال منظور شده است.

۱-۴- شلاق و رویکرد حداقلی به آن

مجازات بدنی من جمله شلاق، مستقیماً متوجه بدن و تمامیت جسمانی مجرم است و جزو وخیم‌ترین و شدیدترین نوع مجازات محسوب می‌شود. دوره طولانی از تاریخ مجازات اختصاص به این مجازات دارد. اجرای ارزان و کم هزینه، عدم وجود معایب زندان و تهدید مؤثر بر مجرم و دیگران از مزایای آن برشمرده شده است. در معایب کیفر شلاق نیز می‌توان گفت که کیفری خوار

^۱ - تبصره ۳ ماده ۲۲، ماده ۲۳ و ۲۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز.

^۲ - تبصره ۲ ماده ۴۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز: "در مورد سایر جرائم مقرر به استثنای ماده (۲۱) این قانون، در صورتی که بیم اختفای ادله، فرار متهم یا تبانی باشد و همچنین در پرونده‌هایی با ارزش بالای قاچاق مکشوفه بالای یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال، صدور قرار وثیقه متناسب با مجازات مقرر الزامی است."

^۳ - ماده ۷۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز: "جزای نقدی مقرر در این قانون از سوی مرجع رسیدگی کننده قابل تعلیق و تخفیف نیست."

^۴ - تبصره ۲ ماده ۶۰: "جزای نقدی مازاد بر حبس تبدیلی در صورت شناسایی اموالی از محکوم‌علیه، حتی پس از اتمام حبس وصول می‌گردد."

^۵ - ماده ۲۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: "هرگاه بازداشت بدل از جزای نقدی توأم با مجازات حبس باشد بازداشت بدل از جزای نقدی از تاریخ اتمام حبس شروع می‌شود که از حداکثر مدت حبس مقرر در قانون برای آن جرم بیشتر نیست و در هر حال مدت بازداشت بدل از جزای نقدی نباید از سه سال تجاوز کند."

کننده است به خصوص اگر در ملاء عام اجراء شود. به علاوه گاه آثاری در بدن مضروب باقی می‌گذارد که گاهی التیام‌ناپذیر و کشنده است. (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۸۳)

در بعد از انقلاب اسلامی مجازات شلاق در مجازات‌های تعزیری جایگاه مهمی پیدا نمود. با توجه به منابع فقهی در برخی از موارد تنها مجازات مقرر برای جرایم تعزیری شناخته شده بود. اما نگاهی به مقررات قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ بخش تعزیرات نشان می‌دهد که در اکثر مجازات‌های تعزیری، دادگاه در تعیین مجازات شلاق از نگاه گذشته دور شده است و با دادن مجازات جزای نقدی و حبس در کنار مجازات شلاق، دست دادگاه را برای تعیین مجازات‌های دیگر باز گذاشته است و تا حدودی از مجازات بدنی شلاق فاصله گرفته است. (سبزواری‌نژاد، ۱۳۹۳: ۵۲)

با مطالعه قانون قاچاق کالا و ارز مشخص می‌شود که سیاست جنایی تقنینی ایران در خصوص تعیین مجازات‌ها به سمت عدم استفاده از مجازات شلاق پیش رفته است. به طوری که مجازات شلاق، صرفاً در دو مورد کیفر شلاق در نظر گرفته شده است. نخست در خصوص قاچاقچی حرفه‌ای کالاهای مجاز و مجاز مشروط و بارانه‌ای، موضوع ماده ۳۲ قانون است که قانون‌گذار مقرر می‌دارد: "کسانی که مطابق این قانون قاچاقچی حرفه‌ای^۱ محسوب می‌شوند، علاوه بر ضبط کالا و یا ارز قاچاق، به حداکثر جزای نقدی و تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری و مجازات‌های حبس به شرح زیر محکوم می‌شوند:

الف- نود و یک روز تا شش ماه حبس برای کالا و ارز با ارزش تا یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

ب- بیش از شش ماه تا دو سال برای کالا و ارز با ارزش بیش از یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال."

البته در صورتی که قاچاق کالای ممنوع به صورت حرفه‌ای ارتکاب یابد، مجازات شلاق ندارد. وفق تبصره ماده فوق الذکر: "مرتکبین قاچاق حرفه‌ای کالاهای ممنوع، علاوه بر مجازات‌های مندرج در ماده (۲۲) این قانون حسب مورد به نصف حداکثر حبس مقرر در این ماده محکوم می‌شوند."

دوم در مورد بزه تمرد در برابر مأمورین موضوع ماده ۳۴ قانون است که وفق آن: "در صورتی که شخص حامل یا مالک کالا و یا ارز قاچاق، در مواجهه با مأموران کاشف به هر نحوی مقابله یا مقاومت نماید، اگر عمل مذکور از مصادیق دست بردن به سلاح و سلب امنیت مردم نباشد علاوه بر مجازات‌های مقرر برای ارتکاب قاچاق، به شش ماه تا دو سال حبس و تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می‌شود." لذا برای سایر جرایم، کیفر شلاق در نظر گرفته نشده است که با توجه به ماهیت اقتصادی بزه قاچاق کالا و ارز و تأثیر بیشتر مجازات‌های مالی، به نظر تدبیر درستی است.

۱-۵- انحلال شخص حقوقی

یکی از مجازات‌های پیش‌بینی شده برای شخص حقوقی ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی و ماده ۶۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، مجازات انحلال شخص حقوقی می‌باشد. مجازات انحلال از لحاظ شدت، نظیر مجازات اعدام در مورد اشخاص حقیقی است، با این تفاوت که با انحلال شخص حقوقی نه تنها حیات حقوقی یک شخص حقوقی پایان می‌پذیرد، بلکه سهامداران آن شرکت و احیاناً کارمندان آن شرکت نیز متضرر شده و کار خود را از دست می‌دهند. (پوریافرانی، ۱۳۹۴: ۱۱۲) بدین ترتیب با توجه به اهمیت و شدت این مجازات، ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی آن را در زمره مجازات‌های تعزیری درجه یک یعنی سنگین‌ترین مجازات‌ها قرار داده است.

^۱ - وفق بند ش ماده یک قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز اصلاحی ۱۳۹۴، قاچاقچی حرفه‌ای شخصی است که بیش از سه بار مرتکب قاچاق شود و ارزش کالا یا ارز قاچاق در هر مرتبه بیش از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال باشد.

همانطور که در مورد اعدام این دغدغه وجود دارد که موارد شمول آن تقلیل یابد، در مورد اشخاص حقوقی نیز این موضوع مطرح است که در حد امکان دایره اعمال مجازات انحلال کاهش یابد. بدیهی است که انحلال شرکت به سبب تناسب نمی‌تواند در مورد جرایم کم اهمیت به کار گرفته شود. (Fieberg, ۱۹۹۹: ۸۵) در واقع، انحلال شرکت باید تنها زمانی در نظر گرفته شود که اهداف شرکت یا فعالیت‌هایش مستقیماً در جهت ارتکاب تقصیر جزایی است. بر این اساس ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی اشعار می‌دارد: "انحلال شخص حقوقی و مصادره اموال آن زمانی اعمال می‌شود که برای ارتکاب جرم، به وجود آمده یا با انحراف از هدف مشروع نخستین، فعالیت خود را منحصراً در جهت ارتکاب جرم تغییر داده باشد."

اما در بند الف ماده ۶۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، در مورد قاچاق کالای ممنوع و یا سازمان یافته، در همان مرحله‌ی اول و در خصوص قاچاق کالاهای غیر ممنوع و ارز، در مرتبه دوم انحلال شخص حقوقی پیش‌بینی شده است. این ماده مخصص ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی در خصوص مجازات‌های اشخاص حقوقی است و این امر ناشی از رویکرد سختگیرانه و اربعایی قانونگذار در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز می‌باشد.

۲- مجازات تکمیلی و تبعی

مجازات تکمیلی^۱ مجازاتی است که در تکمیل مجازات اصلی آمده و دادگاه باید همانند مجازات اصلی آن را در حکم خود درج نماید. (سبزواری‌نژاد، ۱۳۹۳: ۳۷) این نوع مجازات‌ها هیچگاه به تنهایی مورد حکم دادگاه قرار نمی‌گیرد. اصولاً مجازات تکمیلی اختیاری است که قانون به دادگاه اختیار داده است در صورت صلاحدید و متناسب با جرم ارتكابی و شرایط مجرم آن را صادر نماید.

در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، تعیین مجازات‌های تکمیلی و تبعی به موجب ماده ۶۳ وفق قانون مجازات اسلامی، به عمل می‌آید.^۲ جواز صدور حکم به مجازات تکمیلی و انواع آن در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، آمده است. با این وجود قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، مقررات خاصی در خصوص انواع مجازات‌های تکمیلی پیش‌بینی نموده است. مطابق ماده ۶۹ قانون مذکور: "مرجع رسیدگی کننده ذیصلاح حسب مورد می‌تواند با توجه به شرایط، نحوه، دفعات ارتکاب جرم و شخصیت مرتکب، علاوه بر مجازات‌های مقرر در این قانون، وی را به عنوان تکمیل مجازات، به یک یا چند مورد مرتبط از محرومیت‌های زیر محکوم نماید:

الف- تعلیق موقت یا ابطال دائم:

۱- کارت بازرگانی

۲- کارت مبادلات مرزی

۳- کارت ملوانی

۴- پروانه کسب، تأسیس، بهره برداری یا حق العمل کاری

۵- پروانه حمل و نقل

۶- گواهینامه رانندگی وسایل نقلیه زمینی، دریایی و هوایی

^۱ هر چند اصطلاح مجازات تکمیلی برای این دسته از اختیارات قضایی به کار گرفته شده است اما شاید مجازات تنمیمی اصطلاحی مناسب‌تر باشد. (الهام و برهانی، ۱۳۹۲،

^۲ ماده ۶۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز: "حکم تعدد و یا تکرار ارتکاب قاچاق و معاونت آن و مجازات تبعی و تکمیلی، مطابق قانون مجازات اسلامی است."

- ب- تعطیل موقت یا دائم محل کسب و پیشه و تجارت
پ- محرومیت از اشتغال به حرفه یا حرف خاص از یک تا پنج سال
ت- محرومیت از تأسیس شرکت و یا عضویت در هیأت مدیره و مدیر عاملی اشخاص حقوقی از یک تا پنج سال
ث- ممنوعیت خروج از کشور تا پنج سال."

همانطور که ملاحظه می‌گردد مجازات‌های تکمیلی قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، مطلق بوده؛ فاقد قیودات قانون مجازات اسلامی چون رعایت مدت (حداکثر دو سال) است. اما به نظر نگارنده با توجه به مقررات ۶۳ قانون قاچاق کالا و ارز و ارجاع آن به قانون مجازات اسلامی، این مقررات نیز باید در خصوص بزه قاچاق رعایت گردد و به عبارتی ماده ۶۹ قانون صرفاً در مقام توسعه انواع مجازات‌های تکمیلی متناسب با جرم خاص بزه قاچاق کالا و ارز است و در مورد سایر شرایط باید به قانون مجازات اسلامی مراجعه شود. تفسیر به نفع متهم نیز چنین ایجاب می‌کند.

همانطور که گفته شد قاعده اصلی در مورد مجازات‌های تکمیلی این است که علی‌الاصول اختیاری بوده و به صلاح‌دید قاضی واگذار شود. ولی بر اساس پاره‌ای از قوانین و مقررات جزایی و استدلال حقوقدانان کیفری مجازات تکمیلی اجباری نیز امکان‌پذیر است که در این مورد قاضی مکلف به قید مجازات تکمیلی در حکم خود خواهد بود. (صانعی، ۱۳۸۲: ۷۱۶) به عنوان نمونه وفق تبصره ۲ ماده ۶۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، چنانچه شخص حقوقی، وابسته به دولت یا مأمور به خدمات عمومی باشد، مرجع رسیدگی‌کننده، کارکنان و مدیران مرتکب قاچاق را علاوه بر مجازات‌های مربوط حسب مورد به محرومیت یا انفصال دائم یا موقت از خدمات دولتی و عمومی غیردولتی محکوم می‌نماید یا بر اساس تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی^۱ انتشار حکم محکومیت قطعی که میزان مال موضوع جرم ارتكابی، یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا بیش از آن باشد، الزامی است. حکم تبصره ماده ۳۶، از جهت اطمینان دادن به افکار عمومی نسبت به قاطعیت دستگاه قضایی در مبارزه با جرایم اقتصادی و افزایش بازدارندگی از این جرایم گامی مثبت تلقی می‌شود، اما توجه افراطی به مبلغ عواید حاصل از جرم به عنوان ملاک تعیین مجازات در این مورد هم دیده می‌شود. (مهدوی پور، ۱۳۹۵: ۲۱۴)

مجازات تبعی برخلاف مجازات اصلی و تکمیلی در حکم دادگاه درج نمی‌گردد بلکه نتیجه قهری و قانونی حکم کیفری دادگاه است که به تبع حکم دادگاه بر محکوم تحمیل می‌شود. اثر مجازات تبعی محدود به زمان است و پس از انقضای مدت اثر آن زایل و محکوم به اعاده حیثیت نائل می‌گردد. در واقع باید گفت که مجازات تبعی اثر قهری و ناشی از حکم قانون است و نیازی به درج آن در حکم دادگاه ندارد و همین تفاوت اساسی بین مجازات تکمیلی و تبعی است. (سبزواری‌نژاد، ۱۳۹۳: ۴۳) مجازات‌های تبعی متضمن محرومیت از حقوق اجتماعی است. این کیفر یکی از مناسب‌ترین ضمانت‌اجراها برای برخورد با مجرمانی است که دارای مقام و شأن اجتماعی بالا هستند. (مهدوی پور، ۱۳۹۵: ۲۱۸)

همانطور که گفته شد وفق ماده ۶۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، اعمال مجازات‌های تبعی طبق قانون مجازات اسلامی خواهد بود. بر اساس ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی: "محکومیت قطعی کیفری در جرائم عمدی، پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان، در مدت زمان مقرر در این ماده محکوم را از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محروم می‌کند:
الف- هفت سال در محکومیت به مجازات‌های سالب حیات و حبس ابد از تاریخ توقف اجرای حکم اصلی.

^۱ - تبصره ۲ ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی: "انتشار حکم محکومیت قطعی در جرائم زیر که میزان مال موضوع جرم ارتكابی، یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا بیش از آن باشد، الزامی است و در رسانه ملی یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر می‌شود:
...خ- قاچاق کالا و ارز"

ب- سه سال در محکومیت به قطع عضو، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده بیش از نصف دیه مجنی‌علیه باشد، نفی بلد و حبس تا درجه چهار.

پ- دو سال در محکومیت به شلاق حدی، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده نصف دیه مجنی‌علیه یا کمتر از آن باشد و حبس درجه پنج".

۳- عوامل مشدده و مخففه

سبب‌های تشدید یا تخفیف مجازات، کیفیات و اوصافی هستند که قانونگذار تعیین کرده و در صورت احراز آن‌ها حسب مورد دادگاه مکلف به تشدید یا تخفیف مجازات است. با توجه به اینکه بزه قاچاق کالا و ارز به طور کلی، در خصوص این کیفیات، تابع قواعد عام قانون مجازات اسلامی است؛ لذا در گفتار حاضر صرفاً جلوه‌های افتراقی این عوامل و کیفیات، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱- قاچاق سازمان‌یافته

تشکیل گروه با هدف ارتکاب جرم یکی از عواملی است که می‌تواند با ایجاد هماهنگی در بین مجرمین زمینه‌های موفقیت آن‌ها را افزایش داده و در مقابل کارآمدی عدالت کیفری را به چالش بکشد. در این راستا قانون‌گذار در جهت تسهیل کشف جرم و شناسایی مجرمین می‌تواند با اتخاذ سیاست کیفری افتراقی زمینه را برای ایفای نقش کارآمد فراهم نماید. از این رو در حالی که قانون‌گذار به نحو مطلق قاچاق کالا و ارز را به موجب تبصره ماده ۳۶ و ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی و نیز ماده ۵۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز «جرم اقتصادی» تلقی نموده است و خود همین وصف موجب اتخاذ سیاست کیفری افتراقی در مورد قاچاق کالا و ارز شده است، لیکن افزوده شدن قید «سازمان یافته» به آن می‌تواند تدابیر خاصی را سبب شود.

کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با جرایم سازمان‌یافته فراملی در بند الف ماده ۲ خود گروه مجرمانه سازمان‌یافته را بدین شکل تعریف می‌کند. «گروه مجرمانه سازمان‌یافته یعنی گروه سازمان‌یافته متشکل از سه یا چند نفر که برای یک دوره زمانی مشخص وجود داشته و به طور هماهنگ با ارتکاب یک یا چند جرم یا تخلف شدید مندرج در این کنوانسیون، به منظور تحصیل مستقیم یا غیر مستقیم منافع مالی یا سایر منافع مادی، فعالیت می‌کند.» قانون‌گذار ایران نیز متعاقباً به موجب تبصره ۱ ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی^۱ و بند س ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مفاد این تعریف را وارد نظام تقنینی ایران نمود.

ویژگی سازمان‌یافتگی به سه شکل در حقوق کیفری مشاهده شده است؛ نخست: به عنوان یک عامل مشدده جرم به این معنا که هرگاه جرم توسط یک سازمان و گروه مجرمانه تحقق یابد مجازات آن جرم افزایش پیدا می‌کند. دوم: حالتی که سازمان‌یافتگی تنها به عنوان یک وصف مجرمانه در کنار معاونت و مشارکت در جرم مطرح و در حقیقت نوعی شرکت در جرم محسوب می‌-

^۱ - ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی: "هرکس سردستگی یک گروه مجرمانه را برعهده گیرد به حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای آن گروه در راستای اهداف همان گروه مرتکب شوند، محکوم می‌گردد مگر آنکه جرم ارتكابی موجب حد یا قصاص یا دیه باشد که در این صورت به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود. در محاربه و افساد فی‌الارض زمانی که عنوان محاربه یا افساد فی‌الارض بر سر دسته گروه مجرمانه صدق کند حسب مورد به مجازات محاربه یا افساد فی‌الارض محکوم می‌گردد."

تبصره ۱: «گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می‌گردد.»

شود و سوم: تشکیل یک گروه مجرمانه سازمان یافته که علاوه بر جرم ارتكابی گروه، وصف مجرمانه مستقل دارد؛ در این معنا سازمان یافتگی وصف گروه مجرمانه است برخلاف حالت های پیشین که سازمان یافتگی در آن ها وصف جرم تلقی می شود.

به موجب بند س ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز «قاچاق سازمان یافته: جرمی است که با برنامه ریزی و هدایت گروهی و تقسیم کار توسط یک گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتكاب جرم قاچاق، تشکیل یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتكاب جرم قاچاق منحرف شده است صورت می گیرد.» مقنن ایران در یک اقدام هم سو با سیاست جرم انگاری و کیفرگذاری افتراقی برای جرایم قاچاق سازمان یافته، ارتكاب بزه قاچاق کالا به صورت سازمان یافته را وفق مواد ۲۸ و ۲۹ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، مستوجب مجازات شدیدتری نسبت به قاچاق ساده در نظر گرفته است.

اگرچه قبل از قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳ در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ بحث سردستگی گروه مجرمانه در ماده (۱۳۰) تبیین و در تبصره (۱) آن گروه مجرمانه تعریف شد، اما این ماده و تبصره ی آن نمی توانند به تنهایی عنصر قانونی جرایم سازمان یافته را تشکیل دهند. به نظر می رسد از جمع بند «س» ماده ۱ و مواد ۲۸ و ۲۹ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، قانون گذار جرم قاچاق سازمان یافته را جرمی مستقل محسوب کرده و برای آن ارکان و عناصری متفاوت از ارکان و عناصر جرم قاچاق ساده پیش بینی نموده است؛ ضمانت اجراهایی که برای این جرم در نظر گرفته شده با توجه به وخامت آن نسبت به جرم قاچاق ساده نسبتاً شدیدتر بوده و آیین دادرسی جرایم قاچاق سازمان یافته، اختیارات بیشتری در جهت کشف و رسیدگی آن در نظر گرفته است.

قانون گذار، در ضمن تبصره های مواد ۲۸ و ۲۹ قانون یاد شده نیز به تبعیت از شیوه متناسب سازی تعیین مجازات با میزان مسئولیت و نقش هر یک از اعضای گروه مجرمانه (مصرح در ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی) برای کسانی که در ارتكاب جرایم قاچاق سازمان یافته نقش سازماندهی، هدایت و یا سردستگی را بر عهده دارند؛ حسب مورد حداکثر مجازات های مقرر در مواد مذکور پیش بینی نموده است.

البته این موارد در جایی است که مرتکب قصد مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران یا علم به مؤثر بودن این جرایم را نداشته و رفتار وی منجر به اخلال گسترده در نظام اقتصادی کشور نشده باشد، در غیر این صورت، مطابق ماده ۳۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، عمل وی از مصادیق قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور خواهد بود و مجازات های مقرر در این قانون برای وی در نظر گرفته خواهد شد. قانون گذار در این قانون به تأمین مالی تروریسم^۱ توجه و در ماده ۳۱ مقرر کرده است اگر مرتکب جرائم قاچاق کالا و ارز با علم و عمد، عواید و سود حاصل از این جرائم را به نحو مستقیم یا غیرمستقیم برای تأمین مالی تروریسم و اقدام علیه امنیت ملی و تقویت گروه های معاند با نظام اختصاص داده یا هزینه کند، علاوه بر مجازات های مذکور در این قانون به مجازات محارب نیز محکوم خواهد شد.

لازم به ذکر است از آنجا که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، محاربه تنها در صورتی واقع می شود که شخصی دست به سلاح برده باشد معلوم نیست در چه صورتی مرتکب جرم فوق محارب محسوب می شود. البته در قوانین مختلف قانون گذار مجازات محاربه را برای رفتارهای مختلفی که هیچ ارتباطی به سلاح کشیدن ندارد، در نظر گرفته است؛ اما در این مورد تشخیص

^۱ - ماده ۱ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوبه ۱۳۹۴/۱۲/۱۳ مقرر می دارد: "تهیه و جمع آوری عامداً و عالماً وجوه و اموال به هر طریق چه دارای منشأ قانونی باشد یا نباشد و یا مصرف تمام یا بخشی از منابع مالی حاصله از قبیل قاچاق ارز، جلب کمک های مالی و پولی، اعانه، انتقال پول، خرید و فروش اوراق مالی و اعتباری، افتتاح مستقیم یا غیرمستقیم حساب یا تأمین اعتبار یا انجام هرگونه فعالیت اقتصادی اشخاص توسط خود یا دیگری جهت ارائه به افراد تروریست یا سازمان های تروریستی که مرتکب یکی از اعمال زیر می شوند، تأمین مالی تروریسم بوده و جرم محسوب می شود: ..."

اینکه موضوع تحت عنوان مجاربه قرار می‌گیرد یا نه به قاضی واگذار شده است و قاضی در این موارد تنها می‌تواند به مقررات مربوط به مجاربه در قانون مجازات اسلامی مراجعه کند.^۱ از این رو تنها موردی که قابل استناد است افساد فی الارض است که برای صدق این عنوان باید مقررات ماده ۲۸۶ بر رفتار مرتکب صدق کند.^۲

تفکیک قاچاق سازمان‌یافته از غیر آن از جهاتی چند واجد اهمیت است. علاوه بر پیش‌بینی مجازات شدیدتر برای قاچاق کالا و ارز سازمان‌یافته (مواد ۲۸ و ۲۹ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز)، پیش‌بینی صلاحیت برای ضابطین ویژه (ماده ۳۹ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز)،^۳ جرم تلقی شدن مطلق قاچاق سازمان‌یافته (صرف‌نظر از نوع کالا و یا ارز و میزان آن) و پیش‌بینی صلاحیت رسیدگی به آن در دادگاه انقلاب (ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز) از جمله احکام خاص قاچاق سازمان‌یافته می‌باشد.

۳-۲- قاچاق حرفه‌ای

یکی از تفکیک‌هایی که قانون‌گذار به نحو خاص در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز به آن پرداخته است تفکیک قاچاقچی حرفه‌ای از غیر آن می‌باشد. قانون‌گذار در بند ش ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در سال ۱۳۹۲ ابتدائاً در تعریف قاچاقچی حرفه‌ای چنین مقرر نمود. «شخصی است که بیش از سه بار مرتکب تکرار و یا تعدد جرم قاچاق شود.» بر این اساس هر شخصی (اعم از حقیقی یا حقوقی) که بیش از سه بار سابقه محکومیت قطعی به جهت ارتکاب قاچاق کالا و یا ارز داشت و یا بیش از سه بار مرتکب قاچاق کالا و ارز شده بدون آنکه بین ارتکاب آن‌ها به اتهامات قبلی محکومیت قطعی پیدا کرده بود (تعدد مادی) و یا با تلفیقی از دو حالت پیش، بیش از سه بار مرتکب قاچاق شده بود، مرتکب قاچاقچی حرفه‌ای تلقی می‌شد. لیکن با اصلاح بند مذکور در سال ۱۳۹۴ دو تغییر عمده در تعریف به وجود آمد که هر دو نیز در جهت محدود نمودن شمول عنوان قاچاقچی حرفه‌ای است. بر این اساس «قاچاقچی حرفه‌ای: شخصی است که بیش از سه بار مرتکب قاچاق شود و ارزش کالا یا ارز قاچاق در هر مرتبه بیش از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال باشد.» بر این اساس، اولاً - صدق عنوان قاچاقچی حرفه‌ای صرفاً ناظر به موردی است که شخص حداقل سه بار سابقه محکومیت قطعی به ارتکاب قاچاق کالا و ارز داشته و برای بار چهارم یا بیشتر مرتکب قاچاق کالا و ارز شود. به عبارت دیگر قانون‌گذار دفعات تعدد ارتکاب قاچاق را برای صدق عنوان قاچاقچی حرفه‌ای کافی نمی‌داند. ثانیاً - قانون‌گذار با پیش‌بینی نصاب برای ارتکاب قاچاق کالا و ارز، در صورتی سابقه محکومیت‌های قبلی مرتکب در تحقق وصف قاچاقچی حرفه‌ای مؤثر است که ارزش کالا و یا ارز قاچاق در هر مرتبه بیش از ده میلیون ریال باشد. البته در

^۱ - در این موارد قانونگذار رفتار ارتكابی را عملاً در حکم مجاربه دانسته است و مجازات این جرم را برای آن رفتار در نظر گرفته است و این بدان معنا نیست که دامنه شمول تعریف مجاربه گسترش یافته است. (بهره‌مند، ۱۳۹۶: ۱۶۹)

^۲ - ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی: «هرکس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اختلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آن‌ها گردد به گونه‌ای که موجب اختلال شدید در نظم عمومی کشور، نا امنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد، مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد.

تبصره- هرگاه دادگاه از مجموع ادله و شواهد قصد اختلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده و یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع و یا علم به مؤثر بودن اقدامات انجام شده را احراز نکند و جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، با توجه به میزان نتایج زیانبار جرم، مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می‌شود.»

^۳ - ماده ۳۹ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز: «وزارت اطلاعات و نیروی انتظامی موظفند با هماهنگی مرجع ذیصلاح قضایی، خود یا بنا بر اعلام دستگاه کشف، شبکه‌های اصلی، گروه‌های سازمان‌یافته قاچاق کالا و ارز و دارایی‌های آن‌ها را شناسایی و اقدام به تشکیل پرونده و تکمیل تحقیقات نمایند.»

خصوص افرادی که بیش از دو مرتبه مرتکب قاچاق کالا و یا ارز با ارزش حداکثر ده میلیون ریال در هر مرتبه شوند، نیز امکان اعمال تشدید مجازات مطابق تبصره ۲ ماده ۲۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز وجود دارد.

مطابق ماده ۳۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز «کسانی که مطابق این قانون قاچاقچی حرفه‌ای محسوب می‌شوند، علاوه بر ضبط کالا و یا ارز قاچاق، به حداکثر جزای نقدی و تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری و مجازات‌های حبس به شرح زیر محکوم می‌شوند:

الف - نود و یک روز تا شش ماه حبس برای کالا و ارز با ارزش تا یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال.

ب - بیش از شش ماه تا دو سال برای کالا و ارز با ارزش بیش از یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال.

تبصره - مرتکبین قاچاق حرفه‌ای کالاهای ممنوع علاوه بر مجازات‌های مندرج در ماده (۲۲) این قانون حسب مورد به نصف حداکثر حبس مقرر در این ماده محکوم می‌شوند.»

بنابراین قانون‌گذار در خصوص قاچاقچی حرفه‌ای سیاست کیفری سخت‌گیرانه‌تری را اتخاذ نموده است که نمود دیگر آن را می‌توان در «جرم» (و نه «تخلف») تلقی نمودن آن و پیش‌بینی صلاحیت رسیدگی در دادگاه انقلاب به موجب ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز دانست. لازم به ذکر است که در راستای تسهیل در شناسایی قاچاقچیان حرفه‌ای، در ماده ۷۳ قانون مذکور ایجاد پایگاه اطلاعات محکومان قاچاق کالا و ارز پیش‌بینی شده است.^۱

۳-۳- قاچاق مأموران دستگاه‌های کاشف یا وصول درآمد دولت

این نوع تشدید در واقع تشدید به اعتبار سمت مجرم می‌باشد. به عبارت دیگر قانون‌گذار، این واقعیت که مرتکب از مأموران دستگاه‌های کاشف یا وصول درآمدهای دولت است را موجب تشدید مجازات دانسته است. ماده ۳۵ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مقرر می‌دارد: "در صورتی که مأموران دستگاه‌های کاشف یا وصول درآمدهای دولت، خود مرتکب قاچاق شوند و یا شرکت یا معاونت در ارتکاب نمایند، علاوه بر مجازات قاچاق مقرر در این قانون به مجازات مختلس نیز محکوم می‌شوند.

تبصره ۱- مأمورانی که با علم به ارتکاب قاچاق از تعقیب مرتکبان خودداری یا برخلاف قوانین و مقررات عمل نمایند در حکم مختلس محسوب و به مجازات مقرر برای مختلسین اموال دولتی محکوم می‌گردند مگر آنکه عمل مرتکب به موجب قانون دیگری مستلزم مجازات شدیدتری باشد که در این صورت به مجازات شدیدتر محکوم می‌شوند.

تبصره ۲- کارکنان تمامی دستگاه‌ها و سازمان‌های مؤثر در امر مبارزه با قاچاق کالا و ارز از جمله ستاد و سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی نیز مشمول حکم این ماده و تبصره (۱) آن می‌شوند."

در توضیح این ماده باید گفت که با توجه به نرخ تورم و زمان تصویب قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس ارتشا و کلاهبرداری (۱۳۶۷) عملاً قاچاق کالا یا ارز، در زمان حاضر بالای پنجاه هزار ریال خواهد بود. بنابراین مجازات ۲ تا ۱۰ سال حبس و انفصال دائم از خدمات دولتی صرف‌نظر از مباشرت یا معاونت مرتکب خیلی شدید به نظر می‌رسد. لذا پیشنهاد می‌گردد قانونگذار با توجه به ارزش کالای قاچاق وفق مواد ۱۸ و ۲۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، در خصوص مجازات مأمورین مربوطه نیز تناسب‌سازی را انجام دهد.

^۱ - ماده ۷۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز: «به منظور ثبت و دسترسی سریع به سوابق محکومان و ارائه آن به مراجع ذی‌ربط، پایگاه اطلاعات محکومان قاچاق کالا و ارز در مرکز فن‌آوری و اطلاعات قوه قضاییه تشکیل می‌گردد. تمامی واحدهای اجرای احکام مکلفند به محض دریافت رأی قطعی محکومیت‌های راجع به قاچاق کالا و ارز، مشخصات فردی محکومان را در این پایگاه ثبت نمایند. مبادله اطلاعات بین سازمان تعزیرات حکومتی و قوه قضاییه باید به نحوی باشد که امکان تعامل داده‌ها و استفاده کاربران طرفین وجود داشته باشد.»

۴- تعیین کیفر

تعیین کیفر را می‌توان به نوعی مهم‌ترین حوزه حقوق کیفری دانست. تعیین کیفر، حوزه‌ای از حقوق کیفری است که دولت بیشترین دخالت و اجبار را در آن دارد. در مراحل اجرای عدالت در نظام کیفری به ویژه هنگام تعیین کیفر، قاضی دادگاه نقش تعیین کننده و ممتازی برای حصول اهداف نظام کیفری ایفا می‌نماید. تناسب مجازات با مجرم و جرم ارتكابی در هر پرونده امری موضوعی و فردی است و دادگاه با توجه به شرایط گوناگون باید آن را تعیین نماید و از عهده قانونگذار بر نمی‌آید. به همین سبب قانون، با شرایطی آن را به قاضی دادگاه محول کرده است که با تکیه و مستند به قانون بتواند بهترین و مؤثرترین مجازات را تعیین نماید. اعطای اختیار به دادگاه جهت تعیین کیفر از میان انتخاب‌های گوناگون کیفر، آزادی برای تعیین سیاست کیفری تلقی می‌گردد. (سبزواری‌نژاد، ۱۳۹۳: ۱۳۶) اما اتخاذ تصمیم از ناحیه قضات در خصوص تعیین نوع مجازات همیشه کار ساده‌ای نیست. هر واقعه مجرمانه، مجرم و هر محاکمه با محاکمه و مجرم دیگر تفاوت دارد. تعیین مجازات، یکی از نگرانی‌های عمده مدعیان اصلاحات قضایی نیز محسوب می‌شود. (مهرا و قورچی بیگی، ۱۳۹۶: ۱۰۷)

در راستای سیاست جنایی افتراقی و سختگیرانه مبارزه با قاچاق کالا و ارز قانونگذار برخلاف سایر جرایم، ضوابطی را در تعیین کیفر وضع نموده است تا با محدود کردن اختیارات قضایی جهت استفاده از نهادهای ارفاقی، بر شدت و بازدارندگی مجازات بیفزاید. در چهار بند به بررسی این محدودیت‌ها پرداخته می‌شود.

۴-۱- عدم امکان تعلیق مجازات

تعلیق اجرای مجازات عبارت از متوقف ساختن مجازات کسی است که به کیفرهای تعزیری محکوم شده است تا اگر چنانچه در مدت معینی پس از آن مرتکب جرم دیگری نشود و از دستورهای دادگاه در این مدت تبعیت کند محکومیت او کان لم یکن تلقی گردد. (اردبیلی، ۱۳۹۶: ۲۱۵) در این راستا ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: "در جرائم تعزیری درجه سه تا هشت دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از یک تا پنج سال معلق نماید. دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری نیز پس از اجرای یک سوم مجازات می‌تواند از دادگاه صادر کننده حکم قطعی، تقاضای تعلیق نماید. همچنین محکوم می‌تواند پس از تحمل یک سوم مجازات، در صورت دارا بودن شرایط قانونی، از طریق دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری تقاضای تعلیق نماید." اما استفاده از این نهاد ارفاقی در برخی جرایم مهم با ممنوعیت روبرو است. ماده ۴۷ قانون یاد شده این جرایم را احصا نموده است. "صدور حکم و اجرای مجازات در مورد جرائم زیر و شروع به آن‌ها قابل تعویق و تعلیق نیست: ... خ- جرایم اقتصادی با موضوع جرم بیش از یکصد میلیون ریال" بر اساس ماده ۳۶ قانون فوق‌الذکر قاچاق کالا و ارز نیز از مصادیق جرایم اقتصادی محسوب شده است.

باید گفت قانونگذار با تعیین رقم یکصد میلیون ریال در واقع خواسته تا همه جرایم اقتصادی را مشمول عدم تعلیق یا تعویق قرار ندهد. البته دیگر بندهای ماده ۴۷ به گونه‌ای به برخی از مصادیق جرایم اقتصادی اشاره کرده است. مانند جرایم سازمان‌یافته که عموماً در جرایم اقتصادی تداخل دارند.

علاوه بر این مقرر، به موجب ماده ۷۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز "جزای نقدی مقرر در این قانون از سوی مرجع رسیدگی کننده قابل تعلیق و تخفیف نیست و مجازات‌های حبس و شلاق در جرائم قاچاق کالاهای ممنوعه، حرفه‌ای و سازمان‌یافته موضوع این قانون نیز قابل تعلیق نمی‌باشد."

بنابراین همانطور که ملاحظه می‌گردد با جمع مقررات قانون مجازات اسلامی و قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز استفاده از این نهاد ارفاقی با توجه به سیاست جنایی تقنینی سختگیرانه قانون‌گذار در خصوص بزه قاچاق کالا و ارز میسر نمی‌باشد.^۱

سؤالی که در این رابطه ممکن است مطرح شود این است که آیا در شروع به قاچاق کالای ممنوعه و حرفه‌ای و سازمان‌یافته نیز محدودیت‌های تعلیق مجازات وجود دارد یا خیر؟ در پاسخ باید گفت با توجه به اطلاق ماده ۷۱ مجازات شروع به قاچاق کالاهای ممنوع، حرفه‌ای و سازمان‌یافته نیز امکان تعلیق مجازات را ندارند. این نظر مطابق ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی است که در آن به صراحت جرم‌های اقتصادی از جمله قاچاق کالا و ارز و شروع به آن‌ها را غیر قابل تعلیق و تعویق دانسته است.

۴-۲- عدم امکان تعویق مجازات

تعویق صدور حکم فرصتی است که دادگاه پس از احراز مجرمیت به متهم می‌دهد تا چنانچه در طول این مدت به این ۶ ماه تا ۲ سال به تعهدات خود پایبند باشد از دستورهای دادگاه تبعیت نماید به موجب حکم دادگاه حسب مورد از مجازات، معاف یا در آن تخفیف داده شود. در این راستا ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: "در جرائم موجب تعزیر درجه شش تا هشت دادگاه می‌تواند پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است در صورت وجود شرایط زیر صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد:

الف- وجود جهات تخفیف

ب- پیش‌بینی اصلاح مرتکب

پ- جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران

ت- فقدان سابقه کیفری مؤثر"

ملاحظه می‌گردد که قانون‌گذار صرفاً جرایم موجب تعزیر درجه شش تا هشت که مجازات‌های نسبتاً خفیف‌تری نسبت به درجات پنج الی یک دارند را مشمول تعویق صدور حکم دانسته، قطعاً جرایم اقتصادی را که به لحاظ شدت وخامتی که دارند مستوجب مجازات‌های درجات اخیرالذکر (پنج الی یک) می‌باشند، سزاوار این ارفاق قانونی تلقی ننموده است. به علاوه قانونگذار در ماده ۴۷ این قانون در مقام بیان جرایمی که صدور حکم و... در مورد آنان قابل تعویق و... نیست، در بند ج، جرایم اقتصادی با موضوع بیش از یکصد میلیون ریال را ذکر نموده است. بنابراین دو شرط جهت اعمال تعویق صدور حکم در خصوص جرایم اقتصادی وجود دارد: اولاً درجه جرم باید از درجه شش تا هشت باشد. ثانیاً موضوع جرم کمتر از یکصد میلیون ریال باشد.

در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز به تعویق صدور حکم اشاره نشده است، بنابراین می‌توان به عمومات قانون مجازات اسلامی با رعایت شرایط آن عمل نمود. ممکن است گفته شود با توجه به ماده ۴۵ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز که مهلت یک ماهه جهت رسیدگی و صدور رأی نهایی را از زمان تحویل پرونده، پیش‌بینی نموده است؛ امکان تعویق صدور حکم وجود ندارد؛ چرا که طبق ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی حداقل زمان تعویق صدور حکم شش ماه می‌باشد. در پاسخ باید گفت؛ اولاً تأخیر در

^۱ - نظریه شماره ۶۷/۹۳/۷ مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۴ اداره کل حقوقی قوه قضاییه: "تعویق صدور حکم یا تعلیق اجرای مجازات جرایم تعزیری ارتكابی توسط نوجوانان با توجه به اطلاق ماده ۹۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ شامل جزای نقدی نسبی از جمله جزای نقدی مقرر در مواد ۷۰۲ و ۷۰۳ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۸۷ نیز می‌شود. ممنوعیت‌های مقرر در ماده ۷۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ با توجه به ماده ۹۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در خصوص مصادیق منطبق با ماده صدرالذکر شامل متهمان نوجوان نمی‌گردد."

تحقیقات منصرف از علل قانونی است و تعویق صدور حکم، نهادی ارفاقی است که قانون‌گذار پیش‌بینی نموده است. ثانیاً با توجه به مقررات ذیل ماده ۴۵ که تأخیر تحقیقات را به هر علت دیگری موقوف به گزارش به مقام مافوق نموده است؛ می‌توان چنین استدلال کرد که در صورت صدور قرار تعویق صدور حکم و گزارش آن به مقام مافوق، امکان استفاده از این نهاد ارفاقی وجود دارد. تفسیر به نفع متهم و خفیف بودن جرایم مورد تعویق صدور حکم (درجه ۶ الی ۸) و زیر ۱۰ میلیون تومان بودن آن، می‌تواند مؤید این نظر باشد.

۴-۳- عدم امکان تخفیف مجازات جزای نقدی

تخفیف مجازات به معنای کلی شامل همه عوامل و جهاتی است که موجب می‌گردد که مجرم به مجازاتی کمتر از حداقل مجازات تعیین شده توسط قانون‌گذار محکوم شود. ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: "در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه می‌تواند مجازات تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسب‌تر باشد به شرح ذیل تقلیل دهد یا تبدیل کند:

الف- تقلیل حبس به میزان یک تا سه درجه

ب- تبدیل مصادره اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار

پ- تبدیل انفصال دائم به انفصال موقت به میزان پنج تا پانزده سال

ت- تقلیل سایر مجازات‌های تعزیری به میزان یک یا دو درجه از همان نوع یا انواع دیگر"

با توجه به سیاست جنایی کیفری افتراقی و سختگیرانه و با رویکرد به کیفی‌های مالی در قبال بزه قاچاق کالا و ارز قانون‌گذار محدودیت‌هایی را جهت تخفیف مجازات قائل شده است. در ماده ۷۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مقرر گردیده: "جزای نقدی مقرر در این قانون از سوی مرجع رسیدگی کننده قابل تعلیق و تخفیف نیست..." جزای نقدی نسبتاً بالا مقرر در قانون قاچاق کالا و ارز و همچنین امکان تبدیل آن به حبس‌های بلند مدت^۱، مؤید سیاست جنایی سختگیرانه و ارعایی قانون‌گذار است.

۴-۴- محدودیت مرور زمان کیفری

مرور زمان در نظام حقوقی ایران به طور کلی قاعده‌ای محدود و چالش آفرین است. وفق تبصره ۲ ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی تعزیرات منصوص شرعی مشمول مرور زمان نمی‌گردند. صرف‌نظر از عدم تعریف تعزیرات منصوص شرعی در قانون، به نظر قاچاق کالا و ارز از زمره این تعزیرات محسوب نمی‌گردد؛ اما محدودیت ماده ۱۰۹ شامل جرایم اقتصادی از جمله قاچاق کالا و ارز می‌گردد. به موجب این ماده "جرائم ذیل مشمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات نمی‌شوند: ... ب- جرائم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرائم موضوع تبصره ماده (۳۶) این قانون با رعایت مبلغ مقرر در آن ماده {یک میلیارد ریال} ..."

این سیاست هم‌سو با کنوانسیون‌های بین‌المللی است. ماده ۲۹ کنوانسیون مبارزه با فساد مالی نیز مقرر می‌دارد: "کشورهای عضو باید در صورت اقتضا، طبق قانون داخلی خود، مدت مرور زمان طولانی را برقرار کنند که در آن دادرسی‌های هر جرم مقرر شده طبق این کنوانسیون آغاز شود و در صورتی که متهم از اجرای عدالت گریخته باشد، مرور زمان طولانی‌تری را برای آن وضع کنند."

^۱ - وفق ماده ۶۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، حبس بدل از جزای نقدی تا پانزده سال پیش‌بینی شده است.

در عین حال قانون‌گذار تلاش نموده تا با اعمال فشار بر مأموران کاشف (پیش‌بینی مجازات برای ایشان، وفق تبصره ۱ ماده ۳۵، در صورت خودداری از تعقیب مرتکبان) و مراجع قضایی (پیش‌بینی مهلت یک ماهه رسیدگی)، تضمیناتی را برای تسریع رسیدگی به جرایم قاچاق کالا و ارز و جلوگیری از شمول مرور زمان کیفری بوجود آورد.

نتیجه‌گیری

کیفر و ساز و کارهایی که تمهیدات پیش‌بینی و اجرای آن را تشکیل داده، شامل جرم‌انگاری اعمال منخل نظام جامعه، آیین دادرسی مربوط به رسیدگی جرایم پیش‌بینی شده و نهایتاً اجرای کیفرهای تعیین شده، به علت خاصیت ارباب‌آمیزی که دارند، مانعی بزرگ در راه بزهکاری افراد جامعه که ممکن است اندیشه مجرمانه را در سر پیروانند می‌باشد؛ زیرا مجرمین در صورت تخطی و تجاوز از مقررات حاکم بر جامعه از جمله مقررات ناظر به حمایت از ارزش‌های اقتصادی، به کیفرهای گوناگونی که در انتظارشان است محکوم شده، سزای اعمال و رفتار ناهنجار خود را به طریقی سنگین دریافت خواهند کرد. نتیجه آن که افراد با توجه به پیش‌بینی واکنش‌ها نسبت به اعمالی که منخل نظم اقتصادی می‌باشند و اطلاع از مجازات‌های تعیین شده مربوطه و اینکه ناظر و شاهد اجرای آن درباره کسانی که ناقض ارزش‌های اقتصادی مورد حمایت بوده می‌باشند، دیگر بدون واگم و تشویش و فارغ از نگرانی و هراس، به هر عملی که مایل باشند دست نزده، از جمله از ارتکاب جرایم اقتصادی مورد بحث اجتناب می‌نمایند. خصوصاً در مورد بزه قاچاق کالا و ارز که مرتکبین آن به صورت بالقوه دارای انگیزه کسب منافع مالی از جرم هستند؛ مجازات‌های سنگین و متناسب می‌تواند این توازن را به نفع عدم ارتکاب بزه تغییر داده، مجرمین را منصرف نماید.

با بررسی و دقت در واکنش‌های کیفری در قبال قاچاق کالا و ارز مشخص می‌شود که قاچاق کالا و ارز به عنوان یکی از مهم‌ترین معضلات کشور همیشه مطرح بوده و دست کم سه چهره داشته است. نخست: چهره امنیتی که بر اساس آن قاچاق در سطح کلان می‌تواند پایه‌های امنیت ملی را سست کند و از همین رو بوده که قانون‌گذار هم در مواردی کیفر اعدام پیش‌بینی کرده است. دوم: چهره اجتماعی قاچاق کالا می‌باشد؛ چرا که در بعضی از اقسام قاچاق کالا مانند قاچاق تجهیزات دریافت از ماهواره و وسایل و لوازم آرایشی و بهداشتی همچنین مشروبات الکلی آسیب‌های روانی و جسمی بر جامعه و همینطور خانواده‌ها وارد می‌شود. از همین منظر رویکرد سرکوبگرانه را می‌طلبد.

سوم: چهره اقتصادی که به نظر می‌رسد مهم‌ترین دلیل جرم‌انگاری قاچاق کالا و ارز به شمار می‌رود چرا که در عمل قاچاق را به عنوان یک چالش اقتصادی لحاظ کرده و در نتیجه قاچاق کالا و ارز را در زمره جرایم اقتصادی محسوب نموده است؛ چرا که اکثر رفتارهای مرتبط با قاچاق به گونه‌ای سودآور و دارای عواید کلان نامشروع است و باعث اختلال در نظام اقتصادی می‌گردد. بنابراین لازم است کیفرهای مالی به گونه‌ای طراحی شود که با برهم زدن توازن علیه بزه، ریسک ارتکاب را بالا ببرد.

منابع

الف) منابع فارسی

۱. اردبیلی، محمد علی (۱۳۹۳)، *حقوق جزای عمومی*، جلد سوم، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۲. الهام، غلامحسین؛ برهانی، محسن (۱۳۹۲)، *درآمدی بر حقوق جزای عمومی*، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۳. بهره‌مند، حمید (۱۳۹۶)، *آسیب‌شناسی قوانین مربوط به جرایم اقتصادی در نظام حقوقی ایران*، چاپ اول، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
۴. پوربافرانی، حسن؛ سیفی، مهدیه (۱۳۹۴)، «گونه‌شناسی مجازات شخص حقوقی»، *آموزه‌های حقوق کیفری*، شماره ۹، صفحات ۱۲۸-۱۰۱.
۵. توسلی‌زاده، توران (۱۳۹۲)، *پیشگیری از جرایم اقتصادی*، چاپ اول، تهران: نشر جنگل.
۶. سبزواری‌نژاد، حجت (۱۳۹۳)، *حقوق جزای عمومی*، جلد دوم، چاپ اول، تهران: نشر جنگل جاودانه.
۷. صانعی، پرویز (۱۳۸۲)، *حقوق جزای عمومی*، چاپ اول، تهران: انتشارات گنج دانش.
۸. عبدی، عباس (۱۳۸۱)، «مجازات زندان و ارتکاب مجدد جرم»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۲، صفحات ۹۱-۷۷.
۹. محمودی جانکی، فیروز (۱۳۸۸)، *نظام کیفردهی هدف‌ها و ضرورت‌ها*، تازه‌های علوم جنایی، مجموعه مقاله‌ها، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۱۰. مهدوی‌پور اعظم (۱۳۹۵)، *سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی*، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
۱۱. مهر، نسرين؛ قورچی بیگی، مجید؛ موذن، عباس (۱۳۹۶)، «تحلیل تطبیقی الگوهای کیفردهی در نظام کیفری ایران و انگلستان»، *پژوهش حقوق کیفری*، شماره ۲۰، صفحات ۱۴۰-۱۰۵.

ب) منابع لاتین

۱. Faiza, Patel, crime without frontiers, journal of international law and policy, ۲۲ N.Y.U. ۱۹۹۹.
۲. Fieberg, Gerhard, "National Developments in Germany: An Overview", in: Albin Eser & Günter Heine & Barbara Huber (eds.), *Criminal Responsibility of Legal and Collective Entities*, International Colloquium, Berlin, ۴-۶ May ۱۹۹۸, ۱۹۹۹.